

۳۰۴ - ای یاران مهربان عبدالبهاء چندی بود که خاطر این آواره از بلایای وارده بر اولیای حق آزرده بود و هر دم بملکوت قدم ناله و زاری مینمود و ره عجز و بیقراری می پیمود که ای پروردگار جمعیت ابرار پریشان گشت و محافل انس از بنیان برافتاد چه شود که فضل جدیدی بنمائی و تأیید بدیعی بفرمائی تا یاران انجمن گردند و محفل انس را بسراج ذکرت روشن نمایند ای خداوند این پراکندگی میسند و ای مهربان این حزب پریشان را مجتمع فرما تا آنکه برید جدید رسید و مژده الفت آن انجمن سبب خفت حزن شدید شد از رب فرید آرزوی این قلب جریح آنست که یاران محترم هر دم در کمال حکمت در محفل قدس همدم گردند و بذکر جمال قدم حیات تازه یابند و سبب شوق و ذوق و طرب یکدیگر گردند تا بشارت جهان انسانیت را خلعت جدید بخشند و هیكل عالم را ردای بدیع بپوشد ای یاران این عبدالبهاء همواره از مصائب و بلایای شما محزون و مغمومست ولی این موهبت نصیب هر محروم نگردد زیرا این بلا بهره اهل وفاست و این محن و آلام مخصوص کرام اصفیا هر چه هست بگذرد ولی عاقبت موهبت بهر عاشقان جمال کبریا و مشتاقان روی جمال ابهی روحی لاحبائنه الفداء